



مصاحبه با محمود صالحی، سخنگوی کمیته ی هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

(بهر روز خباز)

با توجه به اهمیت تحرکات اخیر در سندیکای کارگران شرکت واحد، اولین سؤالم را در رابطه با این سندیکا شروع می کنم.

س: آقای صالحی به نظر شما سندیکای شرکت واحد به عنوان اولین تشکل مستقل کارگری بعد از دهه ی 60 چگونه سندیکایی است و به قول بسیاری از فعالین کارگری چرا باید از آن حمایت کرد؟

ج: به نظر من در شرایط کنونی باید با تمام توان از این تشکل و مبارزه و فعالیت های این سندیکا حمایت کنیم. گرایشی که در مورد این سندیکا موضع خاصی را در پیش گرفته اند، به نظر من دیدگاه ارائه شده از سوی این گرایش با واقعیات موجود طبقه ی کارگر و مبارزات آن مغایرت اساسی دارد. من نمی دانم تشکل هایی که تا امروز تشکیل شده اند، چه کار کرده اند که این سندیکا نکرده است؟ سندیکای کارگران واحد، از بدو تأسیس تا امروز که صدها نفر از آنان در زندان به سر می برند، همیشه مورد تعرض سرمایه داران و حامیان آنان قرار گرفته است. اگر ما به نقطه ی قوت آنان توجه کنیم می بینیم که وقتی اولین مجمع را تشکیل دادند نه از کسی اجازه گرفتند و نه از کسی درخواست مجوز کردند. در شرایطی که سندیکای تازه تأسیس به جهت موانع مختلف نتوانسته روند طبیعی خود را برای فعالیت در پیش گیرد، نباید این طور مورد نقد قرار گیرد. در شرایط کنونی ایران طبیعی است که کسانی در هیئت مدیره ی این سندیکا بگویند، فعالیت سندیکای ما سیاسی نیست. آن چه که می توان گفت این است که علیرغم این نظرات، سندیکای شرکت واحد، بعد از دهه ی 60 اولین تشکل مستقلی است که اعلام موجودیت کرده است. حال اگر در زمان تدوین اساسنامه بحثی در مورد سرمایه داری صورت نگرفته است، یا به جای این که کارگران را به مبارزه ی اساسی و طبقاتی

ر هبري کنند، به يك سري فعاليت هاي حاشيه اي اکتفا کردند را مي توان در فضايي دوستانه و کارگري نقد کرد. مواردی که بدان اشاره کردم توهماتي است که دوستان مؤسس سندیکا نسبت به سرمایه داری از خود نشان دادند، اما در عمل مشاهده کردند که این چنین نیست.

س: آیا حمایت و تقویت سندیکای شرکت واحد، حمایت از سندیکالیسم و فرمیسم است؟

ج: من خودم سندیکالیست نیستم و اعتقاد ندارم که می توان با رنگ و لعاب نظام سرمایه داری طبقه ی کارگر از استثمار خلاصی می یابد. امری که ما باید در فضایی رفیقانه آن را مورد نقد قرار دهیم. اما حمایت از سندیکای کارگران واحد، يك امر ضروري و طبقاتي است. اگر امروز این سندیکا با 8 هزار نفر عضو مورد حمله ی کارفرمایان و دولت قرار می گیرد و ما در برابر این حمله سکوت کنیم، در واقع باید فاتحه ی تمام کميته ها، تشکل های کوچک و انجمن های کارگري و فرهنگي را خواند. اگر این سندیکا فرمیست هم باشد، در شرایط کنونی ایران عملاً در برابر نظام سرمایه داری ایستاده است و رسماً از کارگران خواسته تا برای احقاق حق مسلم خود دست به اعتصاب بزنند. چون اعتصاب در هر شرایطی یکی از گزینه های اعتراض و مبارزه ی کارگران در برابر سرمایه داران برای احقاق حقوق انسانی و طبیعی آنان است.

س: به نظر شما تفاوت بین سندیکا و سندیکالیسم در چیست؟ دیدگاهی می گوید اساساً تفاوتی بین این دو نیست؟

ج: ببینید وظیفه ی اصلی سندیکاها همانا متشکل کردن و دفاع از همه ی کارگرانی است که با دسترنج خود زندگی می کنند. بنابراین، سندیکا يك سازمان طبقاتي است. اما خصوصیت طبقاتي يك سندیکا به وسیله ی جهت گیری و اقداماتش معین می گردد. به عبارت دیگر سندیکا در جهت گیری و فعالیتش وقتی طبقاتي است که همواره بر مواضع طبقه ی کارگر در تقابل با استثمارگر، یعنی سرمایه دار قرار گیرد. نقطه ی مقابل این نگرش، بینش فرمیستی است که مشخصه ی آن عبارت است از: گرایش دائمی به سازش کاری با کارفرمایان، که نتیجه ی آن جبراً به همکاری طبقاتي و در عمل به زیان کارگران منجر می شود. محدود کردن فعالیت طبقه ی کارگر به مطالبات صرفاً اقتصادی، به دولت و کارفرما امکان می دهد که تسلط سیاسی و ایدئولوژیکی خود را بر کارگران حفظ کنند. ما در ایران، خانه ی کارگر و شوراهای اسلامی کار را داریم و فعالیت آنان از نظر دولت بلامانع است. سؤال من این است: تا به امروز کسی هست که ادعا کند این دو نهاد(خانه ی کارگر و شوراهای اسلامی کار) حتی برای يك بار هم که شده به نفع کارگران اعلام اعتصاب کرده باشند؟

جواب مطلقاً منفي است. چرا که منافع آنان هم سو با منافع سرمایه داران و حامیان سرمایه است. بنابراین، هر تشکلی که تأسیس می شود می تواند طرفی برای مبارزه ی طبقه ی کارگر باشد. اما تفکیک این تشکل ها نه در نام و شکل ظاهری، بلکه در مضمون طبقاتي و در جهت گیری و فعالیت آن ها مشخص می شود. امروز گرایش سندیکالیسم در جهان سرمایه داری، به محلی برای سازش طبقاتي تبدیل شده است. این يك تجربه ی تاریخی و عینی است که در مقابل ما قرار دارد.

حمایت عملی و مؤثر از سندیکای شرکت واحد به ویژه برای فعالین کارگري در ایران چگونه حمایتی باید باشد؟

ج: همه می دانیم از روزی که این سندیکا اعلام موجودیت کرده است، همیشه مورد تعرض مستقیم و غیر مستقیم دشمنان طبقه ی کارگر قرار گرفته، ما هم بارها طی ده ها اطلاعیه از کارگران متشکل در سندیکا حمایت کردیم. ولی متأسفانه این حمایت ها هنوز به نیروی قدرت مندی تبدیل نشده است تا در برابر این همه سرکوب مقاومت کند. بیشتر حمایت ها تنها در قالب اطلاعیه و اعلام پشتیبانی نوشتاری بوده است. به همین دلیل سرمایه داران و حامیان آنان هر روز خواب تازه ای برای ما کارگران می بینند. اگر ما هم با نیرویی که داریم، بدون ترس از دستگیری، زندان و اخراج به میدان مبارزه بیاییم، مطمئناً پیروز این جنگ نابرابر ما خواهیم بود.

س: برخی معتقدند علت ناکامی این سندیکا در پیشبرد مطالبات کارگران شرکت واحد را باید در ساختار سندیکایی آن جستجو کرد. بدین معنی که به هر حال کارگران شرکت واحد با ابزار تشکل سندیکا راه به جایی نخواهند برد و می بایست تشکل شواری را برای کسب مطالبات خود برگزینند. آیا در شرایطی که کارگران شرکت واحد به شدت زیر ضرب مأموران سرمایه داری قرار دارند و تنها امکان آنان تشکلی است که سالیان سال برای ایجادش مبارزه کرده اند، تلاش برای انحلال امکان حی و حاضر کارگران شرکت واحد و مایوس کردن آنان از سندیکای شان، تضعیف این مبارزات و در نتیجه تضعیف جنبش کارگری نیست؟

ج: چرا، به نظر من نه تنها تضعیف سندیکا است، بلکه تضعیف کل جنبش کارگری است. من در بالا مختصری جواب دادم که عمر این سندیکا آن قدر نیست که ما به کارگران بگوییم که ابزار تشکل سندیکا راه به جایی نمی برد. در دنیای واقعی باید به اسناد و فراخوان های این سندیکا، چه در زمان تشکیل اولین مجمع عمومی و چه بعد از آن برای اعتصاب های اعلام شده از طرف سندیکا توجه کرد. بنابراین هر دستاورد این مبارزه، دستاوردی برای کل جنبش کارگری ایران است. اما نباید این را فراموش کنیم که عده ای در بین هیئت مدیره ی کارگران شرکت واحد هستند که به هر شکلی که برای شان ممکن بود نخواستند حرکت خود را سیاسی جلوه دهند و نسبت به نظام سرمایه داری توهم داشتند. به نظر من این توهم هم در حمله ی نیروهای امنیتی به کارگران و خانواده ی آنان از بین رفت. (همان اشخاص دستگیر شدند) این اولین تشکل مستقلی است که بعد از دهه ی 60 تشکیل شده است. همان طور که در بالا اشاره کردم انتقاد به گرایش سندیکالیستی، نباید مانع شرکت فعال ما در مبارزه ی کارگران شرکت واحد باشد. چنین نگرشی به ضرر کارگران شرکت واحد و کل طبقه ی کارگر ایران است و مانع همبستگی طبقاتی می گردد. کسانی که معتقد به شورا به عنوان تنها ابزار مبارزه ی طبقه ی کارگر علیه بورژوازی هستند به نظر من درک محدود و یک جانبه ای از تشکل و مبارزه ی طبقه ی کارگر دارند. طبقه ی کارگر در مبارزه ی خود در برابر بورژوازی به ده ها نوع تشکل و ابزار خود سازماندهی نیاز دارد. بورژوازی را نگاه کنید آیا آن ها برای استثمار و سرکوب طبقه ی کارگر فقط یک تشکل دارند و با یک ابزار یا نهاد به جنگ ما می آیند؟ واضح است که جواب منفی است. پس طبقه ی کارگر هم در این نبرد روزانه به تشکلات مختلف طبقاتی نیاز دارد. تجربه ی طبقه ی کارگر هم در سطح جهانی و هم در سطح کشوری این حقیقت را به ما اثبات می کند. این که شورا به صرف نام آن، ابزار مناسب و کارایی در مبارزه ی روزانه ی کارگران است، بحثی نادرست و غیرواقعی است. کارایی شورا، هم به رهبری آن و هم به خط فکری و گرایش هدایت کننده ی آن بستگی دارد. به شورا هم نباید برخوردی مذهبی و تقدس مآبانه داشت. به جای شعار دادن در این مورد باید به دلایل عدم تشکیل شورا به طور واقعی و جدی پرداخت. تنها شورا شورا کردن به معنای رادیکال بودن و نفی رفرمیسم نمی تواند باشد.

س: چشم انداز حرکت کارگران شرکت واحد را با توجه به سرکوب اخیر کارگران در اعتصاب 84/11/8 را چگونه می بینید؟

ج: به نظر من کارگران در اعتصاب 84/11/8 پیروز این میدان بودند. این دولت و کارفرمایان بودند که شکست خوردند. دولت به سندیکا حمله کرد و رهبران آن را بازداشت کرد و به اتهام های واهی به پای میز محاکمه کشید. دولت تصور می کرد که این جنبش را سرکوب کرده است، سندیکا به جای این که به کارگران بگوید که سمبل یک چراغ ماشین های تان را روشن کنید، در یک گام به پیش، فراخوان اعتصاب را صادر کردند. این بود که دولت سراسیمه از روز پنج شنبه هرکسی را که در محل های تعیین شده مشاهده می کرد، به این جرم که لباس کارگری بر تن دارد دستگیر و به زندان فرستاد. این دولت بود که به منزل کارگران حمله کرد و بچه های 2 ساله و همسران کارگران را تنها به جرم این که همسران و فرزندان کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی هستند، دستگیر و روانه ی زندان کرد. در چنین موقعیتی اگر تا دیروز عده ای توهم داشتند که می توانند از راه نامه نگاری مطالبات خود را وصول کنند، با حمله به کارگران قبل از اعتصاب، این توهم از بین رفت. من مطمئن هستم که کارگران زندانی وقتی از زندان آزاد شوند فعالانه تر برای احقاق حق خود و همکاران اعتصاب شکن مبارزه ای را که شروع کرده اند به پیش خواهند برد. بنابراین، اعتصاب خود مدرسه ی مبارزه ی طبقاتی است و صف طبقاتی را شفاف تر و توهمات را می ریزد.

س: حدوداً 10 ماه از اعلام موجودیت کمیته ی هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری می گذرد. به عنوان سخنگوی این کمیته لطفاً ارزیابی و جمع بندی خود را از عملکرد تاکنون، نقاط قوت و ضعف این کمیته بیان کنید؟

ج: با توجه به محدودیت هایی که در ایران برای فعالان کارگری موجود است و ما آن را با گوشت و پوست و استخوان خود به طور روزانه لمس می کنیم، اعضای کمیته فعالیت های خود را به نحو احسن انجام داده اند. به طوری که در اکثریت تجمعات کارگری نقش فعال داشته اند، از کوره پزخانه های شبستر و معادن کرمان گرفته تا روستاهای شهرستان بانه، کارخانه های آذربایجان شرقی، غربی، کردستان و جاهای دیگر، نقش خود را که همانا سازماندهی کارگران برای تشکیل تشکل ها و مطالبه ی حقوق معوقه با اتکا به نیروی خود کارگران، ایفا کرده است. اما از طرف دیگر کمیته از نظر مالی وضع چندان خوبی ندارد و این بزرگ ترین مشکل هر کمیته یا تشکل مستقلی است که در ایران مشغول فعالیت است. مسئله ی مالی، حرکت های کمیته را کندتر کرده است. با توجه به مورد فوق اکثریت اعضای کمیته از سرمایه ی شخصی خود جهت کارهای کمیته استفاده می کنند و این مسئله باعث شده تا فشار زیادی بر دوش اعضای اصلی سنگینی کند.

س: آیا ورود همه ی کارگران با گرایشات مختلف به کمیته آزاد است؟ و یا چه شرایطی برای ورود کارگران در کمیته در نظر گرفته شده است؟

بلی، ورود کلیه ی کارگران و فعالان کارگری در صورتی که سه سند اصلی (فراخوان کمیته در باره ما و اساسنامه کمیته ی هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری) را قبول کنند، آزاد است و می توانند عضو کمیته ی هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری شوند و برای رسیدن به خواسته های کمیته فعالانه مبارزه کنند.

س: در بیرون از کمیته گفته می شود، کمیته ی هماهنگی يك کمیته ی تك صدایی با يك نظر و گرایش مسلط می باشد این نظر تا چه حد واقعی است؟

ج: این نظر که کمیته تك صدا یا يك گرایش خاص است، هیچ گونه واقعیتهای ندارد و این نظر به جز مخدوش کردن چهره ی کمیته از طرف مخالفان چیز دیگری نیست. اما اعضای کمیته هر کدام آزاد هستند که نظرات خود را جدا از کمیته بیان کنند. ولی اگر کسی می تواند این را ثابت کند که کسی از اعضای کمیته به نام کمیته تبلیغ و ترویج برای يك گرایش خاص می کند، خوب است آن را معرفی کنند؟ نه این که او را مورد اتهام و وابستگی به يك گرایش خاص کنند. کمیته از گرایشات موجود در جنبش کارگری ایران شکل گرفته و اعلام موجودیت کرده است؛ نه يك گرایش تك صدایی.

س: بعد از انتشار فراخوان اعلام موجودیت کمیته هماهنگی، بارها شاهد این بودیم که گرایش موسوم به لغو کار مزدی، مواضع، سیاست و برنامه ی کمیته را تبلور نظرات خود دانسته است، بنابراین تصور فعالین کارگری از کمیته ی هماهنگی این است که گویا این کمیته به نوعی ظرف تشکیلاتی گرایش لغو کارمزدی در جنبش کارگری محسوب می شود. به جهت اهمیت فوق العاده ی این مسئله برای فعالین که تاکنون به کمیته ی هماهنگی نپیوسته اند، لطفاً جهت روشنگری اذهان عمومی در این خصوص توضیح دهید که واقعیت امر چیست و اگر چنین نیست چرا تا به حال سکوت کرده اید؟

ج: البته هر انسانی آزاد است تا به هر نحوی که خود دوست داشته باشد نظرات خود را بیان کند. کسانی هم هستند، برای این که خود را مطرح کنند، به دیگران آویزان می شوند. ولی بحث جایی دیگری است؛ اگر کسی هست که ثابت کند، گرایش لغو کار مزدی در نوشته های شان کمیته ی هماهنگی را به نام تشکیلات خود معرفی کرده باشد، سند خود را ارائه دهد، تا من رسماً به عنوان سخنگو آن را به اطلاع عموم برسانم. ولی نباید این را فراموش کنیم که هر انسانی یا تشکلی می تواند از ما حمایت کند و در نوشته های خود هر چه می خواهد بنویسد. از طرف دیگر نظرات لغو کار مزدی در جهان و در ایران چیز تازه ای نیست تا عده ای آن را کشف کرده باشند؟ در طول تاریخ جنبش کارگری جهان، مبارزه برای لغو کار مزدی يك وجه ی مهم این

جنبش بوده است. کمیته که ما تشکیل دادیم ضدیت با نظام سرمایه داری است و این خودش یعنی مخالفت با کار مزدی. وقتی ما اعلام می کنیم کار برای همه، آسایش برای همه و ما جامعه ای می خواهیم که در آن خبری از استثمار انسان به دست انسان نباشد، به طور شفاف و روشن یعنی لغو کار مزدی. در ضمن کارمزدی محصول مناسبات و روابط تولیدی معین یعنی روابط و مناسبات طبقاتی سرمایه داری است. من خواهان لغو این مناسبات و پایان استثمار اکثریت جامعه توسط اقلیت کوچکی هستم.

س: بعد از انتشار فراخوان کمیته ی هماهنگی برای بسیاری از فعالین کارگری سؤالاتی مطرح شد از جمله: الف- کمیته ی هماهنگی اعلام کرده است که تشکل کارگری نیست، اما تشکیلاتی سراسری است متشکل از فعالین و پیشروان کارگری؛ تشکلی که کمیته ی هماهنگی در پی ایجاد آن است به جهت سیاست و برنامه، ساختار و سبک کار چگونه تشکلی است؟

ب- آیا تشکل مورد نظر کمیته، تشکل توده ای کارگران، متشکل از فعالین کارگری چپ، البته در مقیاس وسیع تر از موقعیت کنونی کمیته ی هماهنگی خواهد بود؟ گو این در حال حاضر هم در کمیته اعضای غیر چپ و کارگران مذهبی نیز وجود دارند. اگر چنین است پس تفاوت تشکل مورد نظر این کمیته و تشکیلات فعلی که کمیته ی هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری نامیده می شود چیست؟

ج- به طور مشخص وظایف، تشکلی که کمیته ی هماهنگی برای ایجادش مبارزه می کند چه خواهد بود؟ آیا آن تشکل برای کسب مطالبات خود، همانند عملکرد فعلی کمیته هماهنگی از طریق انتشار اطلاعیه و فراخوان و یا مجمع خواهد بود؟

ج: ما در نوشته های خود اعلام کرده ایم که ما تشکل نیستیم و کمیته ای را مرکب از فعالان کارگری تشکیل داده ایم تا برای تشکیل تشکل های کارگری زمینه را فراهم و برای تشکیل آن کمک کنیم و تشکلی که ما در پی آن هستیم، تشکلی است که کارگران آن را با نیروی خود ایجاد می کنند، به افراد مورد نظر خود رأی می دهند، اهداف و اساسنامه را خود تدوین می کنند، مجمع عمومی خود را هر زمان که نیاز دیدند تشکیل می دهند، کسی برای آنان و از بالا خط و مشی تعیین نمی کند، در هیئت های کارگری حضور خواهند داشت و برای تعیین دستمزد ها نقش فعالی ایفا خواهند کرد. در همه ی امور اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اهداف و سیاست های طبقاتی خود را دنبال خواهند کرد. زمانی ما در این راه موفق خواهیم شد که کمیته ی مورد نظر را توده ای کنیم. تشکل مورد نظر تشکل توده ای کارگران خواهد بود و در واحدهایی که کارگران مشغول به کار هستند تشکیل خواهد شد. با این وجود در محل کار کارگران همه گونه گرایش حضور دارند. در عین حال گرایش های مختلف در کمیته وجود دارد، حتی کارگران مذهبی. چون ما برای یک حزب و سازمان و یا یک گروه فعالیت نمی کنیم تا اگر کسی اساسنامه ی حزب مورد نظر را نپذیرد نتواند عضو آن شود. اساسنامه ی کمیته می گوید، ورود کلیه کارگران و فعالان به کمیته آزاد است و ورود عضو منوط به چپ بودن و نبودن او نیست. در ضمن تشکلی که کمیته ی هماهنگی برای ایجاد آن فعالیت می کند هر زمان که تشکیل شد، فعالین و ایجاد کنندگان آن با اتکا به رأی و نظر کارگران، وظایف آن را مشخص خواهند کرد. هم چنین باید گفت که کسب مطالبات تنها از طریق انتشار اطلاعیه حاصل نمی شود، بلکه کار عملی روزانه و لحظه به لحظه ی کل کارگران را می طلبد.

س: در اساسنامه ی کمیته ی هماهنگی، ماده ی 3، در بخشی از بند “د” می خوانیم: این هیئت مؤسس (منظور هیئت مؤسس تشکل ضد سرمایه داری و سراسری کارگران ایران) متشکل خواهد بود از جمع هر چه گستره تری از فعالین کارگری صاحب نفوذ و مورد اعتماد کارگران که، پس از فراهم شدن تمام ملزومات تشکل فوق، نشست وسیع کلیه ی اعضای وقت کمیته ی هماهنگی در سراسر کشور انتخاب خواهد شد. آقای صالحی، فکر نمی کنید ترکیب این هیئت مؤسس با توجه به این که فقط مرکب از اعضای وقت کمیته ی هماهنگی خواهد بود، مشارکت دیگر عناصر کارگری را در این هیئت نادیده می گیرد؟ چرا که اساساً ممکن است، موجودیت چنین تشکلی مورد قبول بسیاری از عناصر و فعالین کارگری باشد، بدون این که این فعالین در کمیته ی هماهنگی عضویت داشته باشند. این مسئله در اذهان این تأثیر را می گذارد که گویا این تشکل ساخته و پرداخته ی کمیته ی هماهنگی است و نه تشکل توده ای کارگران، در جهت روشننگری بیشتر اگر ممکن است توضیح دهید؟

ج: ببینید به قول شما 10 ماه از اعلام موجودیت این کمیته می گذرد و ما بارها اعلام کرده ایم که این کمیته مربوط به يك گرایش خاص نیست. پس هر کارگر یا فعال کارگری می تواند عضو این کمیته شود و در تصمیم گیری ها دخیل باشد. کسی که خود را فعال جنبش کارگری می داند باید این تشخیص را هم به خوبی بدهد که کدام کمیته و یا تشکلی در راستای مصالح و منافع جنبش کارگری گام برمی دارد. ما در دو سال گذشته شاهد تشکیل چند کمیته با راه کارهای خاص خود بوده ایم این طبقه ی کارگر است که باید این را تشخیص دهد که کدام کمیته او را به اهداف و خواسته هایش رهنمون می سازد، طبیعتاً می رود و در آن کمیته عضو می شود. ما مثل کسانی نمی رویم به کارگران و عده و وعید بدهیم تا ببینند عضو کمیته شوند. من این جا اعلام می کنم که این طبقه ی کارگر است که می تواند با فعالیت و اتحاد خود نظام سرمایه داری را به زانون درآورد، نه کس دیگر. با توجه به موارد فوق هر چه کمیته ی هماهنگی رشد و گسترش بیشتری داشته باشد به همان اندازه هم کارگران یا فعالان بیشتری در هیئت مؤسس شرکت خواهند کرد. کمیته ی هماهنگی مربوط به يك خانواده نیست تا آن را به انحصار خود درآورد. اگر در این شرایط سخت که طبقه ی کارگر هر روز به شکلی مورد تعرض سرمایه داران قرار می گیرد، دوستانی که خود را با طبقه ی کارگر تداعی می کنند در میدان مبارزه حضور نیابند و انتظار هم دارند فردا نامه ی فدایت شوم برایش بنویسیم تا در مجمع شرکت کند؟ خیر، ما چنین کاری نخواهیم کرد، زیرا به همبستگی طبقاتی لطمه می زند.

س: گرایشی معتقد است که تشکل توده ای کارگران در نهایت ظرفی است برای برپایی سوسیالیسم، مدعیان چنین دیدگاهی، تشکل توده ای کارگران دارای قابلیت انجام وظایفی که پیش از این حزب طبقه ی کارگر عهده دار آن بود می دانند، می خواستیم نظر شما را در این خصوص بدانیم؟

ج: در این شرایط هرگونه تشکل کارگری که مستقلاً فعالیت کند می تواند ظرفی برای پایان دادن به استثمار باشد و طبیعی است طبقه ی کارگر را به سوسیالیسم نزدیک تر می کند. هر چه تشکل های کارگری توده ای تر و منسجم تر باشند، راه رسیدن طبقه ی کارگر به حکومت کارگری هموارتر خواهد شد. در ضمن من فکر می کنم وظایف تشکل توده ای کارگری با يك حزب سیاسی کارگری فرق می کند. البته من این دو نهاد را در صورت موجود بودن و امکان فعالیت آشکار، نه تنها ضد يك دیگر نمی بینیم، بلکه کمک کننده ی هم می دانم، هر چند کار و وظایف شان متفاوت باشد.

س: آقای صالحی، چندی پیش شاهد اعلام موجودیت “ کمیته ی دفاع از حقوق دستگیر شدگان اول ماه مه” بودیم. به عنوان فعال کارگری که خارج از این کمیته هستید لطفاً چشم انداز خود را از حرکت این کمیته بیان کنید؟

ج: من لازم می دانم که از کلیه کسانی که در این کمیته شرکت کردند تشکر کنم. در واقع این کمیته يك میدان دیگر از مبارزه ی طبقاتی است و تشکیل این نوع کمیته ها در این شرایط خیلی مهم است و خیلی کارساز! ما نباید با این نگرش به چنین کمیته هایی بنگریم که نمی تواند کاری را برای لغو احکام صادره از سوی دادگاه انقلاب سقر انجام دهد. ما باید از دید دیگر آن را تعقیب کنیم. وقتی بعد از پیشنهاد چهار نفر از دستگیر شدگان اول ماه مه سقر، که پیشنهاد چنین کمیته ای را کرده بودند، ده ها نفر از انسان های آزاده به پیشنهاد فوق اعلام آمادگی می کنند، در این شرایط بزرگ ترین کمیته ای است که تا به امروز تشکیل شده است. اگر به لیست افرادی که در این کمیته متشکل شده اند نگاه کنید، اسامی زیادی از فعالین جنبش های اجتماعی دیگر را می بینید که هر کدام برای خود در این مملکت جایگاه، ارزش و اعتباری دارند. اگر امروز يك دانشجو، حقوق دان، معلم، وکیل، کارگر، فعالین جنبش زنان و ... به تشکیل کمیته اقدام می کنند، این خودش يك دستاورد بزرگ اجتماعی و پیروزی برای طبقه ی کارگر ایران محسوب می شود.

س: به نظر شما امضاهایی که تاکنون از کارگران، فعالین جنبش زنان، زنان شاغل و خانه دار، دانشجویان، معلمان، پرستاران و مردم کوچه و بازار گرفته شده است، در نتیجه ی رأی دادگاه محکومین سقر تا چه حد می تواند مؤثر باشد؟ و پیشنهاد عملی شما به ویژه برای فعالین کارگری به جهت دخالت مؤثر آنان چیست؟

ج: وقتی در این شرایط که دولت با تمام توان می خواهد چند نفر از فعالان کارگری را تنها به جرم شرکت در مراسم اول ماه مه به زندان های طولانی محکوم کرده است، مردم به این احکام ناعادلانه اعتراض می کنند. این اعتراض ها وقتی شروع شد که احکام به ما اعلام شده بود و ما شبانه روز به عزیزانی که این خبر را شنیده بودند و با نگرانی با ما تماس می گرفتند، جواب می دادیم. و این اعتراض ها پراکنده و بی تأثیر بود. از وقتی که کمیته ی دفاع تشکیل شده، اعتراضات به طور منسجم به پیش رفته است. برای نمونه به کمپین جمع آوری امضاها توجه کنید.

اما امضاهای جمع آوری شده زمانی مؤثر است که به مسئولان دولتی فرستاده شود. با فرستادن امضاها و حمایت های جهانی برای مسئولان مملکتی، حقانیت دستگیر شدگان در بین مردم هر چه بیشتر تثبیت می شود. در مورد اقدامات بعدی کمیته رأساً تصمیم خواهد گرفت.

س: همان طور که می دانید در رابطه با امضاها و حمایت هایی که از کمیته ی دفاع صورت گرفته، چندی پیش آقای محسن حکیمی نامه ای سرگشاده خطاب به فعالین کارگری و امضا کنندگان در حمایت از کمیته ی دفاع منتشر کرد. که در این میان متأسفانه شاهد برخوردهای نه چندان مناسبی از طرف مخالفین نظر آقای حکیمی و هم چنین مدافعیات این نظر بودیم، به طور مشخص نظر شما در ارتباط با کار مخفی به عنوان یکی از تجارت و پروسه ی مهمی که جنبش چپ و فعالین کارگری آن را به سختی از سر گذرانده است. (در شرایط فعلی نیز بخشاً به جهت ضرورت هایی شاهد تداوم این پروسه در نزد فعالین کارگری هستیم) و هم چنین ویژگی ها و ضرورت کار علنی در شرایط فعلی چیست؟

ج: ما باید برای نظرات دیگران احترام قایل شویم. هر کسی می تواند کار خود را انجام دهد، بدون این که از کسی اجازه بگیرد. من نمی خواهم وارد این بحث شوم. تنها این را بیان می کنم که اشخاص برای امضاها خود آزاد هستند که با نام و نشان حقیقی خود باشدیا خیر. ولی ما می توانیم به مردم پیشنهاد کنیم که با هویت خود در میدان مبارزه ظاهر شوند. وقتی تمام افراد معترض با هویت و مشخصات خود وارد کارزار شوند، آیا دولت می تواند چند نفر را دستگیر و روانه ی زندان کند؟ نامه ی آقای حکیمی، که مخالفین او به آن اشاره کردند مضر نبود. به نظر من برخوردها غیر سیاسی بود. البته در نامه ی آقای حکیمی، مواردی دیده می شود. من به عنوان یک دوست در رابطه با این موارد با ایشان صحبت کردم. ولی مخالفین آقای حکیمی، برخورد غیر سیاسی کردند. از طرف دیگر هم برخی افراد به حمایت از حکیمی همان برخورد را کردند که مخالفان حکیمی کرده بودند. به نظر من این برخوردها هیچ نفعی برای طبقه ی کارگر ندارد. ما در فضای سیاسی و دوستانه می توانیم به بحث و دیالوگ پردازیم و اشکالات را بیان کنیم. چنین فضایی باعث تأثیر بحث ها و تکمیل آن خواهد شد. توهین و برجسب مطلقاً روش کارگری و انسان های سیاسی جدی نیست.

س: همان طور که می دانید زمان زیادی تا اول ماه مه باقی نمانده است، با توجه به مسائل و معضلاتی که جنبش کارگری از اول ماه مه 1384 تاکنون از سرگذرانده از جمله: تعطیلی روزافزون واحدهای تولیدی و بیکارسازی گسترده ی کارگران، نازل بودن سطح دستمزد، که بسیار پایین تر از خط فقری است که بانک مرکزی اعلام کرده است، قراردادهای موقت یک ماه و سفید امضا، اعلام رأی دادگاه محکومین سقز، پروسه ی سرکوب سندیکای کارگران شرکت واحد و فراخوان اعتصاب 4 دی و 8 بهمن این سندیکا و هم چنین مطالبات جنبش کارگری؛ فکر می کنید برگزاری جشن طبقاتی کارگران در اول ماه مه 1385، به لحاظ شکل و مضمون چگونه باید باشد. آیا ما باز هم شاهد مراسم پراکنده و جدا از هم فعالین کارگری در سالن های سرپوشیده خواهیم بود؟

ج: اول ماه مه، روز جهانی همبستگی و جشن سراسری طبقه ی کارگر است و مراسم های این روز هر سال با برخوردهای دولت مواجه شده است (به ویژه در سال 1383 در سقز) این که ما باز شاهد برگزاری مراسم پراکنده و در زیر سالن های سرپوشیده خواهیم بود، با توجه به فضای موجود در کشور این خیلی طبیعی است که باز هم ما شاهد چنین مراسمی با اشکالی که گفتید باشیم. ولی پیشنهاد ما برای کلیه ی عزیزانی که به هر

شکلی می خواهند مراسم این روز را برگزار کنند این است که به دور از فرقه و فرقه گرایی و رقابت، مراسم را هر چه توده ای تر برگزار کنند، نه برای احزاب مورد دلخواه خود. من اطمینان دارم اگر ما این اصل را رعایت کنیم، با شکوه ترین مراسم را برگزار خواهیم کرد. در مورد سرکوب ها تأکید کنم که این سرکوب ها مسئله ای تازه ای برای طبقه ی کارگر نیست تا از آن بترسد. صدها سال است که طبقه ی کارگر، توسط سرمایه داران و حامیان آنان سرکوب می شوند. ولی طبقه ی کارگر، هر بار محکم تر از روز قبل به پا خاسته و به مبارزه ی خود علیه مناسبات و نظام سرمایه داری ادامه داده است. من معتقدم که طبقه ی کارگر راهی جز مبارزه با نظام سرمایه داری ندارد. هرگونه نظرات دیگر، خیانت به طبقه ی کارگر است. من پیشنهاد می کنم فعالین کارگری در تاسامس و ارتباط با هم دیگر از هم اکنون در تدارک برگزاری هر چه باشکوه تر مراسم اول ماه مه سال 1385، با درس گرفتن از تجربیات مثبت و منفی گذشته و با طرح روشن شعار و مطالبات طبقه ی کارگر در قطعنامه های پیشنهادی برای تصویب در مراسم این روز باشند.

س: به نظر شما مطالبات اساسی جنبش کارگری در شرایط فعلی کدام است؟

ج: 1- تشکیل تشکل های مستقل و مورد نظر کارگران-2 به رسمیت شناختن این تشکل ها از طرف دولت-3 لغو سه جانبه گرایی در هیئت های تشخیص و حل اختلاف-4 لغو هرگونه قرارداد موقت-5 متوقف کردن قراردادهای سفید و بدون امضا و اعلام جرم در برابر کارفرمایانی که این قراردادها را با کارگران منعقد می کنند-6 افزایش دستمزدها براساس تورم اعلام شده از طرف بانک مرکزی-7 پرداخت حقوق های معوقه-8 متوقف کردن اخراج ها-9- بیمه ی بیکاری برای کلیه کارگران آماده به کار-10- پایان دادن به دستگیری کارگران و آزادی بی قید و شرط تمام کارگران دستگیر شده و بازگشت به کار همه آنان یا بیمه ی بیکاری تا یافتن کار و هم چنین الغای هرگونه احکامی توسط دادگاه جمهوری اسلامی علیه کارگران به هر دلیل و بهانه ای و ...

س: در پایان اگر صحبتی با فعالین کارگری دارید بفرمایید؟

ج: فعالان کارگری باید به دور از فرقه و فرقه گرایی به جنبش کارگری بنگرند و طبقه ی کارگر را برای مبارزه آماده کنند، نه برای تشکیلات و احزاب مورد نظر خود. تمام نیرو و امکان خود را برای برپایی تشکل های مستقل کارگری با اتکا به نیروی خود کارگران، حق اعتصاب و حق آزادی بیان و عقیده به کار گیریم. قدرت و راه های ما کارگران، در اتحاد و همبستگی و مبارزه ی پی گیرمان علیه نظام سرمایه داری است. اگر کارگران فردی هم استنمار شوند اما رهایی شان دسته جمعی است. به نیروی خود ایمان داشته و آگاه و متحد باشیم.

در این جا می خواهم به يك فراخوان بين المللي اشاره کنم. من در اول ژانویه 2006 طی نامه ای برای آقای گای رایدر نوشتم و سه پیشنهاد را با ایشان در میان گذاشتم. خوشبختانه مطلع شدم که کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری و فدراسیون اتحادیه های جهانی روز 15 فوریه (26 بهمن) را به عنوان "روز جهانی دفاع از کارگران ایران" اعلام کرده است. من با کمال خوشحالی اعلام می کنم که این فراخوان يك پیروزی برای طبقه ی کارگر ایران محسوب می شود.

آقای صالحی، از این که در این گفت و گو شرکت کردید، صمیمانه از شما سپاسگزاریم. من هم از شما سپاسگذارم و برای تان آرزوی موفقیت دارم. جهت اطلاع خوانندگان عزیز، این گفت و گو در اواسط بهمن 84 صورت گرفته است.

"لطفاً در صورت امکان این مصاحبه تکثیر و پخش گردد"

